NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

سه شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۸۲
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران



آقای پزشکیان! دولت متولی اصلی گرانی است

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس می‌گوید: نخستین اقدام دولت باید این باشد که خود به افزایش قیمت‌ها دامن نزند و از گران‌سازی رسمی دست بردارد. توسلی با انتقاد از افزایش قیمت نهاده‌ها و خدمات دولتی تأکید کرد: دولت متولی اصلی گرانی است و وقتی خودش قیمت‌ها را بالا می‌برد، طبیعی است که بخش خصوصی هم کالاها و خدمات را گران کند.

۵



فرش قرمز برای جنگ جدید

شواهد نشان می‌دهد دولت با طرح دو روزه عراقچی بار دیگر بر مسیر شکست خورده اعتماد به دشمن اصرار دارد

۷

رویشان نمی‌شود درباره «علی‌الاصول» حرف بزنند، به «سوءتفاهم» می‌تازند

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

اخیرا سعید جلیلی نماینده رهبر انقلاب در شورایعالی امنیت ملی در گفت‌وگوی ویژه خبری صداوسیما، به تبیین نکاتی راهبردی و فنی درباره ابعاد تفاهم‌نامه اسلام‌آباد پرداخت. یکی از مهمترین محورهای مورد اشاره جلیلی در این گفتگو به ماجرای بی‌اعتبارخوانده شدن تفاهمنامه مذکور از سوی رئیس جمهور جنایتکار آمریکا بود؛ جلیلی در واکنش به صحبت‌های ترامپ که گفته بود این تفاهم به اندازه کاغذش هم نمی‌ارزد، گفته بود: «این دیگر تفاهم نیست، بلکه سوء تفاهم است».

متن کامل در صفحه ۳



پزشکیان بدون اشاره به دو دور مذاکره منتهی به جنگ

بازگشت به خطاهای محاسباتی

۲



کوروش زارعی جبهه هنری انقلاب اسلامی را عزادار کرد

مردی که صحنه را به سنگر تبدیل کرد

۸

اقتصادی | صفحه ۴

پرونده تراستی‌ها با اتصال بانکی به چین بسته می‌شود

اتصال هریک از نهادهای مالی ایرانی یا مرتبط با ایران به CIPS به این معناست که به درگاه پرداخت یوآنی متصل می‌شویم. وقتی به درگاه پرداخت یوآنی متصل باشید، دیگر نیازی ندارید منابع خود را در حساب اشخاصی قرار دهید که باید به آنها اعتماد و اتکا کنید.

سیاسی | صفحه ۳

مصوبه گران‌سازی پایتخت

اخیراً طرحی از سوی هیئت وزیران ابلاغ شده است که بر اساس آن، محدودیت‌های شدیدی برای تولید مسکن، به‌ویژه برای اقشار فاقد مسکن در تهران و البرز پیش‌بینی شده است. این مصوبه که در ظاهر با هدف تمرکززدایی از پایتخت مطرح و ابلاغ شده، در عمل گرانی شدید مسکن برای پایتخت‌نشینان را به دنبال خواهد داشت.

خبر کوتاه

روایت عزیزی از پیامدهای مثبت قانون تشدید مجازات جاسوسی

روز گذشته، ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس نکاتی فنی و مهمی را درباره پیامدهای مثبت قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم از جمله انگلیس علیه امنیت و منافع ملی را تشریح کرد. وی در این زمینه تصریح داشت: در دوران پس از جنگ ۱۲ روزه، قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم از جمله انگلیس علیه امنیت و منافع ملی به تصویب رسید. وی با اشاره به آثار اجرای این قانون در جریان جنگ ۴۰ روزه تصریح کرد: خوشبختانه این قانون در طول جنگ ۴۰ روزه بسیار مؤثر واقع شد و توانستیم خلأهای موجود را تا حد زیادی برطرف کنیم. همچنین بسیاری از افرادی که با دشمنان کشورمان و رژیم صهیونیستی همکاری می کردند، مشمول مجازات و برخورد قانونی قرار گرفتند؛ چراکه قانون با صراحت، اقدامات آنان را جرم‌انگاری کرده بود و دستگاه قضایی نیز برای برخورد با این افراد از اختیارات مناسبی برخوردار شد.

ایزدی: رهبر هیچ کشور اتمی ترور نشده است

کارشناس مسائل آمریکا گفت: کشوری را نمی‌شناسم که بمب اتم داشته باشد و رهبرش را شهید کرده باشند یا آن کشور ۵ هزار کشته داده باشد. وی افزود: کشورهایی که بمب هسته‌ای دارند یک بازدارندگی دائمی و همیشگی برای خودشان ایجاد می کنند. معنای این بازدارندگی آن نیست که به چنین کشوری حمله نمی‌شود؛ ممکن است حمله صورت بگیرد، اما هزینهٔ آن بسیار بیشتر از زمانی است که کشور سلاح هسته‌ای ندارد.

شهادت تکاور تیپ نیروهای ویژه دریایی اباعبدالله(ع)

روز گذشته و در پی حملات متجاوزکارانه ارتش تروریستی آمریکا، پاسدار علی اکبر فیروزی از تکاوران تیپ نیروهای ویژه دریایی اباعبدالله(ع) به فیض رفیع شهادت نائل گردید.

جریان قاچاق نفت از معبر غیرقانونی تنگه هرمز به کلی متوقف شد

روز گذشته، یک مقام آگاه نیروی دریایی سپاه به خبرگزاری صداوسیما گفت: به دنبال انهدام سامانه‌های کمک ناوبری دشمن در صخره‌های جنوبی تنگه هرمز، شب گذشته هیچ شناور متخلفی نتوانست وارد معبر غیرقانونی شود و جریان قاچاق نفت از این معبر به کلی متوقف شد.

عباسی خطاب به عراقچی: دشمن را دچار خطای محاسباتی نکنید

نماینده مردم کرج، فردیس و اشتهارد در مجلس شورای اسلامی، در یادداشتی با موضوع اظهارات اخیر وزیر امور خارجه، نوشت: وزیر امور خارجه در پاسخ به اظهارات مسئول آلمانی درباره هزینه تحمیل‌شده به کشورهای اروپایی در جنگ آمریکایی-صهیونیستی علیه ایران، بیان کرده است که اگر حمله‌ای مجدد صورت گیرد، دیگر خط قرمزی وجود نخواهد داشت. وی خطاب به عراقچی افزود: آقای عراقچی، داستان را اشتباه روایت نکنید و دشمن را دچار خطای محاسباتی نکنید. برای جلوگیری از خسارت مجدد، اظهارات خود را اصلاح کنید؛ چراکه پس از شهادت قائد عظیم‌الشأن امت اسلام، دانش‌آموزان، دانشمندان، ورزشکاران و سایر هموطنان عزیزمان در جنایت های ارتش های آمریکایی-صهیونیستی و حامیان منطقه‌ای آنها و همچنین حمله به سایت‌های هسته‌ای کشورمان، دیگر خط قرمزی باقی نمانده است.

پزشکیان بدون اشاره به دو دور مذاکره منتهی به جنگ در دولت چهاردهم: ما می‌توانیم با عزت گفت‌وگو کنیم و موضوع را تمام کنیم

بازگشت به خطاهای محاسباتی

رئیس‌جمهور بار دیگر با استناد به موضوع پایان دادن به وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، از ضرورت گفت‌وگوی عزتمندانه با آمریکا سخن گفت؛ روایتی که با مروری بر صراحت مواضع رهبر انقلاب و رهبر شهید انقلاب، بیش از آنکه مؤید مسیر مذاکره و امتیازدهی باشد، بر ضرورت تقویت کشور و ایستادگی در برابر دشمن تأکید دارد. حال مسئله اینجاست که با توجه به تجربه سه دوره مذاکرات ایران و تاکید دوباره پزشکیان بر گفتگوی عزتمندانه، این معنا از سخنان پزشکیان برداشت می‌شود که مذاکرات عمان، ژنو و اسلام‌آباد نیز عزتمندانه نبوده‌اند؛ چراکه اگر آن مذاکرات عزتمندانه بودند، چگونه می‌شود که حاصل آن‌ها چیزی جز تداوم بدعهدی آمریکا نبوده است. مشکل اساسی کجاست بدعهدی آمریکا یا عزتمندانه نبودن مذاکرات؟



امین مهاجر
روزنامه‌نگار

روز گذشته، رئیس جمهور، مسعود پزشکیان در مراسم هفتاد و دومین سالروز تأسیس شرکت صنایع شیر ایران باری دیگر با تکرار روایت‌های قبلی و اظهارات نسنجیده درباره جنگ برای منافع کشور حاشیه آفرید. پزشکیان در بخشی از سخنان خود با اشاره‌ای دوباره به نقل قولی از رهبر رشید انقلاب گفت: «مقام معظم رهبری دستور دادند که وضعیت نه جنگ نه صلح را پایان دهیم.» پیش از نیز پزشکیان در اظهاراتی که در آیین سرشماری نفوس و مسکن مطرح شده بود، همین موضوع را از زبان رهبر شهید انقلاب مطرح کرده بود. وی گفته بود: «مقام معظم رهبری شهید دستور دادند که از حالت نه جنگ، نه صلح خارج شویم، زیرا در بلاتکلیفی نمی‌توان برنامه‌ریزی کرد. بنابراین، ضرورت دارد از این وضعیت خارج شویم؛ از همین رو، مقام معظم رهبری شهید دستور دادند بروید و جنگ را تمام کنید. اما این نامردها قاعده را به هم زدند. ولی باز هم معتقدم باید برویم و از وضعیت نه جنگ، نه صلح خارج شویم.»

نکته قابل تامل از استناد پزشکیان به سخنان رهبر انقلاب و رهبر شهید و تکرار این موضوع در مجموع سخنرانی های خود، درحالی مطرح است که مروری بر صراحت بیانات رهبر انقلاب و رهبر شهید، آنچه را که پزشکیان نتیجه گیری میکند، در برنمی گیرد.

رهبر انقلاب در پیام ۱۳ آبان صریحا فرمودند: «اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند و یا تصوّر می کنند با امتیاز دادن به امریکا می توانند او را از دشمنی با ملّت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند. این تصوّر باطل، ناسپاسی نسبت به فتوحات عظیمی است که ملّت مسلمان ایران در سایهٔ توکّل و استقامت و مجاهدت به دست آورده است. آرزوی شیطان بزرگ، تسلیم بی قید و شرط ملّت ایران است و کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایهٔ عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملّت به دست آمده بر باد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد.» اشتباه پزشکیان اینجاست که از فرمایشات رهبر انقلاب در دیدار با سرلشکر رضایی صرفا همان عبارت «پایان دادن به وضعیت نه جنگ نه صلح» را مبنای سخنان خود قرار میدهد. اما باید متذکر شد که از تاکید بر رهبر انقلاب بر پایان دادن «به وضعیت نه جنگ نه صلح» در کنار تصریح ایشان مبنی بر «... یا تصوّر می کنند با امتیاز دادن به امریکا می توانند او را از دشمنی با ملّت ایران منصرف کنند... این تصوّر باطل، ناسپاسی نسبت به فتوحات عظیمی است..» تسلیم و سازش در نمی آید!!

بویژه که ایشان در بخشی دیگر از همین پیام بر مقاومت و پایداری تاکید دارند: «هرگاه جبههٔ حق، توکّل و استقامت و فداکاری داشته باشد، جبههٔ باطل با هر قدرت و توان و هرکه و هرچه باشد، در برابر آن تاب نخواهد آورد و عقب‌نشینی و هزیمت، فرجام قطعی آن است که اِن الباطلَ کانَ زَهوقا.»

از سوی دیگر پزشکیان به نقل قولی از رهبر شهید انقلاب اشاره دارد. درحالی که ایشان در ۱ مهرماه سال ۱۴۰۴ در آن سخنرانی غیرمنتظره خودشان در تلویزیون که ناظر به سفر رئیس جمهور به نیویورک بود، صریحا تاکید کرده بودند: «راه علاج پیشرفت کشور، قوی شدن است؛ باید قوی بشویم. قوی شدن نظامی لازم است، ... اگر این شد، آن وقت طرف تهدید هم نمی کند؛ اگر دید طرف مقابل قوی است، حتی تهدید هم نمی کند. به نظر من جزاین راهی وجود ندارد.»

علاوه بر موضوع نه جنگ نه صلح پزشکیان همچنین در سخنرانی روز گذشته خود درباره گفتگوی عزتمندانه سخن گفت. وی اظهار داشت: «ما می توانیم با عزت گفت‌وگو کنیم و با عزت موضوع را تمام کنیم. ما اهل گفت‌وگو و مذاکره هستیم و منطق حکم می کند، اگر می توانیم حق خود را با گفت‌وگو بگیریم، خودمان را درگیر جنگ نکنیم.» این اظهارات رئیس جمهور درباره گفتگوی عزتمندانه درحالی مطرح می شود که همزمان این پرسش را ایجاد می کند که مگر تجربه چند مذاکره اخیر نیز غیرعزتمندانه بوده است، که رئیس جمهور از گفتگوی عزتمندانه سخن می گوید؟! به تعبیر دیگر، اگر این مذاکرات عزتمندانه بوده‌اند، چرا نتیجه‌ای از آن‌ها حاصل نشده است؟ مشکل از کجاست؛ از عزتمندانه نبودن مذاکرات یا از تجربه بدعهدی طرف آمریکایی؟

سیاسی

قائم‌پناه از اقتصادنوین بازدید کرد، رئیس دفترش معاون بانک شد!



روز گذشته رسانه‌ها اعلام کردند با حکم مدیرعامل بانک اقتصادنوین، «بهرام داوری» مسئول دفتر جعفر قائم پناه -معاون اجرایی رئیس جمهور و سرپرست نهاد ریاست جمهوری- به یکباره متصدی معاونت حقوقی این بانک شده است! رئیس دفتر قائم‌پناه درحالی به عنوان معاون نخستین بانک خصوصی ایران منصوب شده که دو هفته پیش از این انتصاب، شخص قائم‌پناه با حضوری شائبه‌برانگیز در گردهمایی سالیانه مدیران بانک اقتصاد نوین، «عملکرد و نتایج مالی بانک اقتصاد نوین را تحسین برانگیز دانسته» و «به نیکی از آن یاد کرده است». نحوه این انتصاب، بویژه تصدی معاونت ارشد یک بانک خصوصی توسط یک عضو ارشد نهاد ریاست جمهوری، ابهامات زیادی را برانگیخته است؛ بویژه آنکه «بهرام داوری» در مراسم معارفه خود اعلام کرده که قرار است پرونده‌های جاری حقوقی بانک اقتصاد نوین را به نتیجه برساند و از ایجاد هرگونه پرونده جدید برای این بانک جلوگیری کند. گفتنی است بهرام داوری جزو اولین انتصابات دفتر رئیس جمهور در مرداد ۱۴۰۳ تحت عنوان «مشاور معاون رئیس جمهور» بوده و از آن تاریخ تاکنون، کلیه مسئولیت‌های دفتر جعفر قائم‌پناه را برعهده داشته است.

اسماعیلی: هدف مقاومت، دورکردن سایه جنگ از زندگی مردم است



وزیرفرهنگ دولت سیزدهم و رئیس بنیاد شهید رئیسی، طی گفتگویی با تأکید بر اینکه مقاومت ضامن زندگی است، نه مانع آن، گفت: برخی تلاش می‌کنند با ایجاد دوگانه کاذب «جنگ و زندگی»، مقاومت را در برابر خواست مردم قرار دهند. در این روایت، «زندگی» بدیهی و انسانی گرفته می‌شود و «مقاومت» امری پرهزینه، ایدئولوژیک و متعلق به گروهی خاص. اما این صورت‌بندی، بیش از آنکه بازتاب مطالبه عمومی باشد، یک راهبرد سیاسی برای تغییر اولویت‌های امنیت ملی است. وی افزود: نکته تحلیلی مهم این است که «مقاومت» با «جنگ‌طلبی» یکی نیست و «بازدارندگی» با «تنش‌آفرینی» تفاوت دارد. مقاومت هوشمندانه دقیقاً برای جلوگیری از جنگ و تحمیل نکردن هزینه آن به زندگی مردم طراحی می‌شود.

بازدارندگی مؤثر یعنی دشمن بداند هزینه تجاوز به ایران سنگین، غیرقابل پیش‌بینی و خارج از محاسبات پیشین اوست. وی ادامه داد: ازاین‌رو، اقتدار ملی تنها در تجهیزات نظامی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به انسجام اجتماعی، تاب‌آوری اقتصادی، پشتیبانی مردمی و توان تغییر محاسبات طرف مقابل وابسته است. رئیس بنیاد شهید رئیسی در پایان گفت: راه نجات، نه در دوگانه‌سازی‌های فریبنده، بلکه در مقاومت هوشمندانه، انسجام اجتماعی، اقتدار بازدارنده و دیپلماسی پشتوانه‌دار است تا عزت، استقلال و امنیت ملی صیانت شود و «زندگی» مردم بر پایه‌ای واقعی و پایدار تضمین گردد.

"نوبنیاد" از مصوبه اخیر دولت پیرامون محدودیت ساخت‌وساز در تهران و البرز گزارش می‌دهد

مصوبه گران‌سازی پایتخت

اخیراً طرحی از سوی هیئت وزیران مصوب و ابلاغ شده است که بر اساس آن، محدودیت‌های شدیدی برای تولید مسکن، به‌ویژه برای اقشار فاقد مسکن در تهران و البرز پیش‌بینی شده است. این مصوبه که در ظاهر با هدف تمرکززدایی از پایتخت مطرح و ابلاغ شده، در عمل گرانی شدید مسکن برای پایتخت‌نشینان را به دنبال خواهد داشت، موضوعی که موجب شده تا تعداد زیادی از نمایندگان مجلس نسبت به آن اعتراض کرده و توقف آن را خواستار شوند. مصوبه جدید دولت بیش از هر چیز یادآور سیاست‌های گران سازی طیف کارگزاران در دولت‌های اصلاح‌طلب است. رویکردی که به جز فشار مضاعف بر اقشار آسیب‌پذیر نتیجه دیگری نداشته است.



جعفرکاظمی
روزنامه‌نگار

چند روز قبل وزیر راه و شهرسازی خبر داد که مصوبه ساماندهی و تمرکززدایی از استان‌های تهران و البرز با پیگیری استانداری تهران، دبیرخانه شورای عالی و کمیسیون زیربنایی دولت به تصویب رسید و ابلاغ شد. معاون رئیس‌جمهور نیز در اینباره گفته است: مصوبه دولت با عنوان «برنامه اقدام برای ساماندهی، پالایش عملکردی و تمرکززدایی از استان‌های تهران و البرز»، مشتمل بر ۲۴ ماده و ۲۳ اقدام، مجموعه‌ای از تصمیم‌های راهبردی را به منظور پالایش مجموعه شهری تهران و البرز از فعالیت های ناسازگار دنبال خواهد کرد. این مصوبه در ادامه رویکرد دولت چهاردهم برای تمرکززدایی از تهران تعریف می‌شود؛ رویکردی که در یک بازه زمانی حتی انتقال پایتخت از تهران به منطقه مکران را هم مطرح کرده بود که با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه شد.

هرچند به اعتقاد کارشناسان، امروز تهران و البرز با مشکلات جدی در حوزه آلودگی هوا، کمبود منابع آب، ترافیک و فشار بر زیرساخت‌های شهری مواجه‌اند و ضرورت رسیدگی به این مسائل بر کسی پوشیده نیست، اما آنگونه که کارشناسان این حوزه گفته‌اند، خروجی مصوبه جدید دولت، تحمیل گرانی هر چه بیشتر به ویژه در حوزه مسکن بر اقشار ضعیف جامعه خواهد بود.

هشدارهای گسترده نمایندگان

رئیس کمیسیون عمران مجلس با انتقاد شدید از مصوبه اخیر هیئت وزیران مبنی بر اعمال محدودیت و ممنوعیت ساخت‌وساز در استان‌های تهران و البرز، این تصمیم را عامل گرانی مسکن، رونق تخلفات ساختمانی و بلاتکلیفی نسل آینده دانست و خواستار توقف ۶ ماهه آن برای بررسی کارشناسی شد. رضایی کوچی با بیان اینکه وقتی بارگذاری جدید و تغییر کاربری مطلقاً ممنوع شود، تکلیف درآمدهای پایدار شهرداری‌ها چه می‌شود؟ تأکید کرد: درخواست مشخص ما این است که مصوبه هیئت وزیران حداقل به مدت ۶ ماه متوقف بماند.

محمد منان رئیسی عضو کمیسیون عمران مجلس نیز با اشاره به مصوبه اخیر هیئت دولت اظهار داشت: این مصوبه ظاهر شیک و آراسته‌ای با عنوان تمرکززدایی از تهران و البرز دارد، ولی محتوای آن تبعات خطرناکی دارد؛ طبق این مصوبه تا سه سال هر نوع شهرک‌سازی و ایجاد شهر جدید در این دو استان ممنوع است، بارگذاری در شهرها نیز ممنوع و الحاق به محدوده قانونی شهرها و ساخت‌وساز جدید نیز ممنوع اعلام شده است. رئیسی همچنین با بیان اینکه این مصوبه با قانون جوانی جمعیت نیز در تعارض است ، تصریح کرد: چون تدبیری برای تراکم‌فروشی نیندیشیده‌اند، تراکم فروشی در پایتخت بیشتر می‌شود و معضلات زیست محیطی، ترافیک، آلودگی هوا، کیفیت زندگی و رفاه مردم افت پیدا می‌کند، مسکن گران‌تر و تراکم‌فروشی بیشتر می‌شود. محمودی عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس، مصوبه جدید دولت را که صدور مجوز احداث شهرک‌های مسکونی و شهر جدید را سه سال ممنوع کرده‌اند، بسیار نگران کننده توصیف کرد و گفت: این مصوبه باعث می‌شود هزینه تمرکززدایی را هم مستأجران و اقشار آسیب‌پذیر بپردازند.

رانسازی، سیاست همیشگی اصلاح‌طلبان

دوره‌های مدیریتی یک طیف خاص سیاسی و اقتصادی در دولت و شهرداری در ادوار مختلف، همواره همراه با سیاست‌هایی به ضرر اقشار محروم و آسیب پذیر جامعه بوده است. گذشته از اظهارنظر معروف مسئولان دولت مرحوم هاشمی مبنی بر اینکه «حتی اگر در فرآیند تعدیل، ۱۵ درصد جمعیت کشور که عموما دهک‌های محروم جامعه بودند در زیر چرخ‌های توسعه له شوند، اشکال ندارد» و یا موضع کرباسچی شهردار پیشین تهران که گفته بود «تهران را باید آن‌قدر گران کنیم که هرکس نمی‌تواند از آن برود»، تا همین حالا نیز گرانسازی مدنظر چهره‌های این طیف سیاسی و اقتصادی است.

پیروز حناچی، شهردار پیشین تهران، در اظهارنظری درباره تصمیم مربوط به رایگان شدن بلیت مترو، با این اقدام مخالفت کرد و درباره هزینه واقعی استفاده از این سیستم حمل‌ونقل با اشاره به محاسبات انجام‌شده در سال ۱۳۹۷ می‌گوید: با احتساب تونل، ریل و تأسیسات، آن موقع قیمت واقعی بلیت بالای ۱۲ هزار تومان بود. به گفته حناچی، اگر این رقم با قیمت‌های فعلی محاسبه شود، هزینه واقعی بلیت مترو به حدود ۱۲۰ هزار تومان خواهد رسید.

یادداشت

رویشان نمی‌شود درباره «علی‌الاصول» حرف بزنند، به «سوءتفاهم» می‌تازند

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

اخیرا سعید جلیلی نماینده رهبر انقلاب در شورایعالی امنیت ملی در گفت‌وگوی ویژه خبری صداوسیما، به تبیین نکاتی راهبردی و فنی درباره ابعاد تفاهم نامه اسلام‌آباد پرداخت. یکی از مهمترین محورهای مورد اشاره جلیلی در این گفتگو به ماجرای بی‌اعتبارخوانده شدن تفاهمنامه مذکور از سوی رئیس جمهور جنایتکار آمریکا بود؛ جلیلی در واکنش به صحبت‌های ترامپ که گفته بود این تفاهم به اندازه کاغذش هم نمی‌ارزد، گفته بود: «این دیگر تفاهم نیست، بلکه سوء تفاهم است». همین اشاره باعث شد که موجی از هجمه‌ها از سوی حامیان وفاقی تفاهم‌نامه به نماینده رهبر انقلاب صورت پذیرد. اما اینجا یک پرسش مهم مطرح است: چرا این تعبیر واکنش تند حامیان تفاهم‌نامه را دربرداشت؟

رهبر معظم انقلاب در در پیام ۲۸ خردادشان درباره تفاهم‌نامه تصریح کردند که «بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم»؛ ایشان حتی بعد از نقض تفاهم‌نامه از سوی آمریکا در پیام ۲۶/تیر/۱۴۰۵ تعبیری به کار بردند که به مراتب نهیبی صریح‌تر و قاطع‌تر نسبت به تعبیر سعید جلیلی داشت: « امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره‌ی واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده تا این تجربه ی تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر دروغگویی، غیرمنطقی و غیر قابل اعتماد و پلید بودن امریکا باشد» . در همین پیام بود که ایشان امضای رئیس جمهور امریکا را بی‌ارزش و نامعتبر برشمردند. بنابراین، بهتر است حامیان نواصولگرای توافق‌نامه که مدعی «ولایتمداری حداکثری» نیز هستند، بار دیگر به جای آنکه شکست‌های انتخاباتی‌شان را سرلوحه رفتار سیاسی خود قرار دهند، بر «شاخص ولایت» نیز گوشه نگاهی داشته باشند.

اما مسئله اساسی و تلخ ماجرا اینجاست که برخی از این افراد و حامیان توافق، مستقیما رویشان نمیشد که از تعبیر «علی الاصول» و «تجربه تاریک» رهبر انقلاب انتقاد کنند! به همین خاطر است که امروز فریادشان را بر سر تعبیر «سوءتفاهم» نماینده ایشان می‌کشند. تفاهم‌نامه را چه «تجربه تاریک» بخوانیم و چه «سوءتفاهم» فرقی در اصل قضیه ایجاد نمی‌کند؛ چرا که «اسلام آباد» سرانجامی همانند «برجام» پیدا کرد به عنوان یک تجربه تلخ دیگر در تاریخ دیپلماسی ایران‌زمین ثبت شد.

خبر کوتاه

انتقاد نیلی از عدم رسیدگی به معیشت خانواده‌های نیروهای مسلح

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی در حساب کاربری خود درباره کم‌کاری دولت و مجلس از رسیدگی به خانواده‌های نیروهای مسلح نوشت: چرا نیروی مسلّح و رزمندگان ما و خانواده های صبور ایشان، از برکات جنگ و منافع مادی چند برابری قیمت فروش نفت، که محصول دلاوری آنهاست تقریبا هیچ بهره‌ای نمی برند؟آن عزیزان شاید نگویند اما این، حق و انصاف نیست که رزمندگان مخلص و غیور و فداکار ما، غیراز آمادگی و تمرکز برای جنگ با دشمنان و دفاع از کشور و نظام در برابر کودتا، نگرانی دیگری هم داشته باشند. این وظیفه دولت و مجلس است که با عنایت به منویات فرمانده معظم کل قوا، این مسأله و نگرانی را علاج کنند. قرآن میفرماید واعدّوالهم مااستطعتم من قوه ؛ این موضوع قطعاً از مصداق خارج نیست.

پرونده تراستی‌ها با اتصال بانکی به چین بسته می‌شود



معاون بین‌الملل سابق بانک مرکزی با اشاره به ضرورت ایجاد سازوکارهای رسمی بانکی برای مقابله با تحریم‌ها گفت: ما در زمینه همکاری با چین و مسائل بانکی، همواره با یک مسئله اساسی مواجه بودیم و آن اینکه باید از طریق ایجاد سازوکارهای رسمی بانکی، به دنبال تحریم‌ناپذیری باشیم. محسن کریمی، معاون دستیار مقام معظم رهبری در بنیاد ایران پیشرفته در گفت‌وگو با فارس افزود: در مواجهه با تحریم‌ها، دو نوع واکنش می‌توانیم داشته باشیم یا واکنش منفعلانه که به آن تحریم‌شکنی گفته می‌شود، یا واکنش فعالانه که به آن تحریم‌ناپذیری می‌گوییم. او ادامه داد: در واکنش منفعلانه و تحریم‌شکنی، همین سازوکار تراستی‌ها شکل می‌گیرد. یعنی وقتی تحریم شده‌ایم و محموله‌هایم بلاتکلیف مانده‌اند، سریع نام شرکت‌ها را عوض می‌کنیم، شرکت‌های کاغذی ایجاد می‌شود و محموله‌ها را جابه‌جا می‌کنیم. درست است که در لحظه اعمال تحریم نمی‌توانیم طراح جدیدی انجام دهیم، اما باید یک یا دو سال بعد، سازوکار جدیدی طراحی شود تا کشور دیگر با چنین مشکلاتی مواجه نشود.

معاون دستیار مقام معظم رهبری با اشاره به ضرورت ایجاد سازوکارهای بانکی رسمی و تحریم‌ناپذیر، گفت: ما باید در چند سال گذشته، سازوکارهای بانکی رسمی و تحریم‌ناپذیر را برقرار می‌کردیم. حتی همین الان هم در شرایط پساجنگ، فرصت بسیار خوبی داریم تا این مسائل را با چین حل‌وفصل کنیم؛ به این دلیل که منافع چین نیز اکنون در اینجا درگیرو بلاتکلیف است و اساساً پرونده تراستی‌ها می‌تواند به‌طور کامل بسته شود. کریمی ادامه داد: برای مثال، اتصال هریک از نهادهای مالی ایرانی یا مرتبط با ایران به **CIPS** را در نظر بگیرید. اتصال به **CIPS** به این معناست که به درگاه پرداخت یوآنی متصل می‌شویم. وقتی به درگاه پرداخت یوآنی متصل باشید، دیگر نیازی ندارید منابع خود را در حساب اشخاص قرار دهید که باید به آنها اعتماد و اتکا کنید.

معاون بین‌الملل سابق بانک مرکزی تصریح کرد: می‌خواهم بگویم راهکارهای تحریم‌ناپذیر به گونه‌ای هستند که با فعال شدن آن‌ها، مشکلات برطرف می‌شوند. پیمان پولی، اتصال به **CIPS**، اتصال شبکه‌های پیام‌رسان بانکی ما، مانند سپام، اتصال شبکه‌های پرداخت کارتی و موارد دیگر، همگی از جمله اقداماتی هستند که در نقشه راه روسیه وجود داشتند و قرار بود در نقشه راه همکاری با چین نیز قرار بگیرند، اما عمر دولت سیزدهم کفاف نداد تا این اقدامات به سرانجام برسند.

گزارش پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی نشان می‌دهد؛

صنعت زیر فشار کمبود نقدینگی و افت تولید

پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، به‌عنوان بازوی پژوهشی سیاست‌گذار پولی کشور، دو گزارش جدید منتشر کرده است که تصویری نگران‌کننده از وضعیت تأمین مالی بنگاه‌ها و روند تولید در بخش صنعت ارائه می‌دهد؛ تصویری که در آن، تولیدکنندگان از یک‌سو با دسترسی محدودتر به تسهیلات بانکی، افزایش هزینه دریافت وام و تشدید محدودیت‌های مالی روبه‌رو هستند و از سوی دیگر، افت قابل‌توجه تولید در صنایع مختلف را تجربه می‌کنند؛ به طوری که نسبت دسترسی بنگاه‌ها به تسهیلات بانکی به حدود ۲۲ درصد رسیده و نرخ مؤثر تسهیلات نیز به ۲۷.۴ درصد افزایش یافته است. هم‌زمان، شاخص تولید صنعتی شرکت‌های بورسی و فرابورسی در مرداد امسال نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۱۰.۶ درصد کاهش داشته است.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

نخستین گزارش پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی که با عنوان «گزارش فصلی تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی در بهار ۱۴۰۵» منتشر شده، وضعیت تأمین مالی شرکت‌های تولیدی را با استفاده از اطلاعات صورت‌های مالی ۵۶۳ شرکت پذیرفته‌شده در بازار سهام بررسی کرده است. بر اساس این گزارش، نسبت دسترسی به تسهیلات بانکی در زمستان ۱۴۰۴ به حدود ۰.۲۱ رسید که پایین‌ترین سطح تاریخی این شاخص در دوره مورد بررسی بوده است. این نسبت در بهار ۱۴۰۵ اندکی افزایش یافت و به ۰.۲۲۲ رسید؛ با این حال، همچنان فاصله قابل توجهی با مقادیر سال‌های گذشته دارد. اهمیت این ارقام در آن است که بهبود جزئی شاخص در بهار امسال را نمی‌توان نشانه بازگشت دسترسی مناسب بنگاه‌ها به منابع بانکی دانست. روند بلندمدت گزارش نیز از کاهش قدرت تأمین مالی بانک‌محور بنگاه‌ها حکایت دارد؛ به‌طوری که نسبت دسترسی به تسهیلات که در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ در محدوده ۰.۳۵ تا ۰.۴۰ قرار داشت، در زمستان ۱۴۰۴ به حدود ۰.۲۱ افت کرده است.

براساس این گزارش، هزینه دریافت منابع بانکی نیز افزایش یافته و نرخ مؤثر تسهیلات در بهار ۱۴۰۵ به ۲۷.۴ درصد رسیده است؛ درحالی که این نرخ در زمستان سال گذشته حدود ۲۵.۶ درصد بود. در محاسبات موزون نیز نرخ مؤثر تسهیلات از ۲۵.۳ درصد در فصل قبل به ۲۷.۱ درصد در بهار امسال افزایش یافته است. این روند به معنای آن است که بنگاه‌هایی که موفق به دریافت تسهیلات می‌شوند نیز باید منابع مالی را با هزینه بیشتری تأمین کنند. از سوی دیگر، سهم هزینه‌های مالی از هزینه‌های عملیاتی بنگاه‌ها در بهار امسال به ۵.۲ درصد رسیده است؛ درحالی که این نسبت در فصل قبل ۴.۷ درصد و میانگین سال ۱۴۰۴ حدود ۵ درصد بوده است. البته نسبت هزینه‌های مالی به سود خالص در بهار امسال نسبت به فصل قبل کاهش داشته است. این نسبت در میانگین ساده از ۱۶ درصد در زمستان ۱۴۰۴ به ۱۴.۹ درصد در بهار ۱۴۰۵ رسیده و در میانگین موزون نیز از ۱۷.۴ به ۱۶.۷ درصد کاهش یافته است. با این حال، رشد نرخ مؤثر تسهیلات و افزایش سهم هزینه‌های مالی از هزینه‌های عملیاتی همچنان نشان‌دهنده فشار هزینه‌ای بر فعالیت بنگاه‌هاست.

محدودیت مالی بنگاه‌ها تشدید شد

یکی دیگر از نکات قابل توجه، سهم پایین تسهیلات بلندمدت در تأمین مالی بنگاه‌هاست. این نوع تسهیلات که سررسید آن‌ها بیش از یک سال است، برای سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات، توسعه خطوط تولید و اجرای طرح‌های جدید اهمیت دارد. براساس داده‌های گزارش، سهم تسهیلات بلندمدت در بهار امسال به ۹.۶ درصد رسیده است؛ درحالی که این سهم در میانگین سال ۱۴۰۴ حدود ۱۰.۴ درصد بود. در محاسبات موزون نیز نسبت تسهیلات بلندمدت از ۹ درصد در فصل قبل به ۸.۶ درصد در بهار امسال کاهش یافته است. این ارقام نشان می‌دهد بخش عمده تسهیلات بانکی به منابع کوتاه‌مدت اختصاص دارد و سهم منابع بلندمدت برای سرمایه‌گذاری و توسعه ظرفیت تولید محدود است. چنین وضعیتی در شرایطی که صنایع برای نوسازی تجهیزات و افزایش بهره‌وری به سرمایه‌گذاری نیاز دارند، می‌تواند یکی از موانع رشد پایدار تولید باشد. یکی از شاخص‌های کلیدی گزارش، شاخص محدودیت مالی بنگاه‌هاست. براساس نتایج گزارش، مقدار این شاخص در بهار ۱۴۰۵ در میانگین ساده به ۱۲.۳ رسیده است؛ درحالی که این رقم در فصل قبل ۱۱.۳ و میانگین سال ۱۴۰۴ معادل ۱۰.۸ بوده است. در میانگین موزون نیز شاخص از ۸.۷ در زمستان ۱۴۰۴ به ۹.۵ در بهار امسال افزایش یافته است. نرخ رشد فصلی شاخص محدودیت مالی در بهار امسال در میانگین ساده ۸.۹ درصد و در میانگین موزون ۱۰ درصد بوده است. این ارقام در فصل قبل به‌ترتیب ۵.۵ و ۱.۶ درصد ثبت شده‌اند؛ یعنی محدودیت مالی به بالاترین سطح خود در دوره ۱۰ساله مورد بررسی رسیده است.

افت تولید صنعتی با سیاست‌های دولت

در کنار مشکلات تأمین مالی، گزارش ماهانه تولید صنعتی شرکت‌های بورسی و فرابورسی در مرداد ۱۴۰۵ از کاهش محسوس فعالیت‌های تولیدی حکایت دارد. براساس این گزارش، شاخص تولید صنعتی در مرداد امسال نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۱۰.۶ درصد کاهش یافته است. این افت در حالی ثبت شده که نرخ رشد تولید در تیرماه منفی ۷.۱ درصد و در خردادماه منفی ۶.۱ درصد بود. همچنین رشد تولید در سه‌ماهه منتهی به مرداد منفی ۷.۹ درصد و در پنج‌ماهه نخست سال منفی ۱۹.۲ درصد گزارش شده است. نرخ رشد یک‌ساله منتهی به پایان مرداد نیز منفی ۱۰.۲ درصد بوده است. این ارقام نشان می‌دهد افت تولید صنعتی صرفاً محدود به یک ماه نیست و آثار آن در بازه‌های زمانی طولانی‌تر نیز دیده می‌شود. به عبارت دیگر، سیاست‌های ارزی دولت چهاردهم در کنار تأثیرات جنگ در این موضوع نقش داشته‌اند و نمی‌توان این افت را صرفاً به جنگ نسبت داد.

تولید خودرو نصف شد

براساس گزارش بازوی پژوهشی بانک مرکزی، بخش مهمی از افت تولید مرداد به عملکرد گروه خودرو و قطعات و ماشین‌آلات و تجهیزات مربوط بوده است. در صنعت خودرو، مجموع تولید ایران خودرو و سایپا در مرداد امسال به حدود ۳۱ هزار دستگاه رسید؛ درحالی که این رقم در تیرماه حدود ۵۱ هزار دستگاه و در مرداد سال گذشته حدود ۶۲ هزار دستگاه بود. به این ترتیب، تولید دو خودروساز بزرگ کشور در مقایسه با مرداد سال گذشته تقریباً نصف شده است. بررسی تفکیکی صنایع در گزارش مرداد نشان می‌دهد از میان ۱۳ گروه صنعتی بررسی‌شده، تنها چهار گروه رشد مثبت تولید داشته‌اند. تولید فلزات پایه ۳.۳ درصد، محصولات کانی غیرفلزی ۱۲ درصد، محصولات دارویی ۶.۲ درصد و محصولات کاغذی ۱۷.۸ درصد افزایش یافته است. در مقابل، گروه خودرو و قطعات با افت ۳۹.۳ درصدی یکی از بدترین عملکردها را داشته است. تولید محصولات شیمیایی ۲۵.۲ درصد، محصولات غذایی ۱۸.۴ درصد، تجهیزات برقی ۲۱.۷ درصد، ماشین‌آلات و تجهیزات ۱۰.۶ درصد، لاستیک و پلاستیک ۳۷ درصد، منسوجات ۳۷.۱ درصد، فرآورده‌های نفتی ۷.۶ درصد و محصولات فلزی ۱۴.۴ درصد کاهش یافته است. در گروه فلزات پایه، برخی زیرگروه‌های فولاد و مس عملکرد بهتری داشته‌اند، اما گروه سرب و روی با ضعف بیشتری مواجه بوده است. در صنایع شیمیایی نیز تولید برخی محصولات، از جمله پلاستیک‌های اولیه، لاستیک مصنوعی و الیاف مصنوعی، با افت قابل توجهی روبه‌رو شده است. در گروه غذایی نیز کاهش تولید بیش از ۱۵ درصد گزارش شده است.

در این گزارش، تغییر موجودی انبار از مقایسه رشد تولید و رشد فروش محاسبه شده است. به بیان دیگر، زمانی که تولید از فروش بیشتر باشد، موجودی انبار افزایش می‌یابد و زمانی که فروش از تولید پیشی بگیرد، موجودی کاهش پیدا می‌کند. براساس نتایج این گزارش، موجودی انبار محصولات نهایی در مرداد و همچنین در سه‌ماهه منتهی به این ماه کاهش یافته است. در مرداد، تغییر موجودی انبار در کل صنایع منفی ۸.۱ درصد و در دوره سه‌ماهه منتهی به مرداد منفی ۳.۱ درصد بوده است. در میان گروه‌های صنعتی، کاهش موجودی در فلزات پایه، محصولات شیمیایی، خودرو و قطعات و دارو نیز مشاهده می‌شود. این وضعیت در برخی صنایع می‌تواند نشانه محدودیت عرضه باشد؛ زیرا تولیدکننده حتی با وجود تقاضا، نتوانسته است به اندازه فروش خود محصول تولید کند. با این حال، کاهش موجودی انبار در همه صنایع الزاماً به معنای محدودیت عرضه نیست. برای نمونه، در گروه خودرو و قطعات، در بازه سه‌ماهه منتهی به مرداد، تولید کاهش یافته، اما موجودی انبار افزایش داشته است. در صنایع غذایی نیز افزایش موجودی در همین بازه گزارش شده است. این وضعیت نشان می‌دهد که در این گروه‌ها، افت فروش یا کاهش عرضه و ضعف تقاضا نیز در کاهش تولید نقش داشته است. بررسی‌های گزارش نشان می‌دهد در سه‌ماهه منتهی به مرداد، بنگاه‌های کوچک رشد مثبت تولید داشته‌اند، اما شرکت‌های بزرگ با افت بیش از ۸.۵ درصدی تولید روبه‌رو شده‌اند. این نتیجه در نگاه نخست ممکن است غیرمنتظره به نظر برسد؛ زیرا بنگاه‌های بزرگ معمولاً از دسترسی بهتر به منابع بانکی، قدرت چانه‌زنی بیشتر و امکان دسترسی گسترده‌تر به بازارهای صادراتی و وارداتی برخوردارند.

دارو در صدر گرانی‌ها

در کنار افت تولید، گزارش مرداد از افزایش قابل توجه شاخص قیمت محصولات صنعتی نیز حکایت دارد. براساس این گزارش، رشد سالانه شاخص قیمت محصولات شرکت‌های بورسی در مرداد امسال به ۱۳۰.۴ درصد رسیده است؛ درحالی که این رقم در تیرماه ۱۱۹ درصد بود. این موضوع حاکی از آن است که قیمت محصولات صنعتی در یک‌ساله منتهی به مرداد امسال، افزایش ۱۳۰ درصدی را تجربه کرده است. طبق این گزارش، افزایش نرخ ارز یکی از عوامل مؤثر بر رشد قیمت برخی محصولات صنعتی است. فرآورده‌های نفتی با رشد سالانه ۲۲۶.۳ درصدی شاخص قیمت در صدر قرار گرفته‌اند. پس از آن، محصولات دارویی با ۲۰۶.۲ درصد، محصولات کاغذی با ۱۸۶ درصد و ماشین‌آلات و تجهیزات با ۱۳۹.۳ درصد قرار دارند. رشد سالانه شاخص قیمت ماشین‌آلات و تجهیزات از ۹۸.۳ درصد در تیرماه به ۱۳۹.۳ درصد در مرداد افزایش یافته است. در گروه فرآورده‌های نفتی نیز این شاخص از ۱۶۷ درصد به ۲۲۶.۳ درصد رسیده است. در مقابل، تنها دو گروه محصولات کانی غیرفلزی با ۵۸.۸ درصد و تجهیزات برقی با ۹۱ درصد، رشد کمتر از ۱۰۰ درصد داشته‌اند.

مجموع داده‌های دو گزارش پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، از شرایط دشوار بنگاه‌های تولیدی حکایت دارد. در بهار امسال، دسترسی به تسهیلات بانکی همچنان در سطح پایینی قرار داشته، نرخ مؤثر تأمین مالی به بیش از ۲۷ درصد رسیده است. در سوی دیگر، گزارش مرداد از افت ۱۰.۶ درصدی تولید صنعتی در مقیاس سالانه و کاهش تولید در بخش مهمی از صنایع خبر می‌دهد. این یعنی دسترسی تولید به منابع بانکی به سطح مطلوبی نبوده است. در چنین وضعیتی، افزایش نرخ مؤثر تسهیلات می‌تواند هزینه تولید را بالا ببرد و امکان سرمایه‌گذاری جدید را محدود کند.

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با «نوبنیاد» از ناتوانی جدی دولت در برنامه‌ریزی اقتصادی پرده برداشت

آقای پزشکیان! دولت متولی اصلی گرانی است

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس می‌گوید: نخستین اقدام دولت باید این باشد که خود به افزایش قیمت‌ها دامن نزند و ازگران‌سازی رسمی دست بردارد. توسلی با انتقاد از افزایش قیمت نهاده‌ها و خدمات دولتی تأکید کرد: دولت متولی اصلی گرانی است و وقتی خودش قیمت‌ها را بالا می‌برد، طبیعی است که بخش خصوصی هم کالاها و خدمات را گران کند.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

در شرایطی که افزایش مستمر قیمت کالاها و خدمات، فشار بر معیشت خانوارها را تشدید کرده است، نقش تصمیمات و سیاست‌های دولت چهاردهم در شکل‌گیری و تداوم موج گرانی‌ها بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. افزایش قیمت نهاده‌های تولید و نوسانات نرخ ارز، در کنار مشکلات بنگاه‌های اقتصادی، این پرسش را مطرح می‌کند که سیاست دولت با توجه به وضعیت اقتصادی کشور چیست و آیا پاستور برنامه مشخصی برای مهار تورم و بهبود معیشت مردم دارد؟ در همین راستا، با فتح‌الله توسلی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، گفت‌وگو کردیم که او تأکید کرد خود دولت متولی اصلی گرانی‌هاست.

افزایش یک‌شبه ۱۳۵ درصدی قیمت کود شیمیایی

توسلی درباره گرانی‌های اخیر، فشار وارد شده بر معیشت خانوارها و اقدامات ضروری دولت و مجلس برای کنترل قیمت‌ها، به نوبنیاد گفت: نخستین اقدام دولت باید این باشد که خود به افزایش قیمت‌ها دامن نزند و از گران‌سازی رسمی دست بردارد. دولت متولی اصلی این موضوع است و زمانی که خودش اقدام به افزایش قیمت‌ها می‌کند، طبیعی است که بخش خصوصی و سایر بخش‌ها نیز قیمت کالاها و خدمات خود را افزایش دهند.
وی افزود: برای نمونه، قیمت کود شیمیایی به‌صورت رسمی از سوی دولت از ۱،۵ میلیون تومان به ۳،۵ میلیون تومان افزایش یافته است. این تصمیم به چه معناست؟ کشاورزی که از یک سو پول گندم خود را با تأخیر و پس از چند ماه، آن هم به‌صورت قسطی و در مبالغ خرد دریافت کرده و از سوی دیگر باید همان گندمی را که تحویل داده است، با قیمت بالاتری به‌عنوان بذر خریداری کند. اکنون نیز که به کود اوره نیاز دارد، با افزایش قیمت کود شیمیایی مواجه شده است.
توسلی ادامه داد: نکته قابل تأمل‌تر اینکه دولت ماه‌ها کود شیمیایی را در انبار نگه داشته و برای مدتی نیز سامانه مربوط به ثبت سفارش را قطع کرده است. حتی افرادی که موفق به ثبت سفارش شده‌اند، اکنون با این موضوع مواجه شده‌اند که دولت اعلام می‌کند باید کود را با قیمت جدید دریافت کنند و مابه‌التفاوت آن را نیز بپردازند. این اقدام، ظلم مضاعفی در حق کشاورزان است. این نماینده مجلس تصریح کرد: نمونه دیگر، خدماتی است که دولت ارائه می‌کند؛ از جمله صدور و تمدید مجوزها و سایر خدمات اداری که بارها با افزایش قیمت مواجه شده‌اند. قبول داریم که هزینه‌های دولت نیز افزایش یافته، اما پرسش این است که آیا دولت اساساً راهبرد و سیاستی برای کنترل قیمت‌ها دارد یا خیر؟ آیا هنگام افزایش هزینه خدمات دولتی، تأثیر آن بر معیشت مردم و قیمت سایر کالاها و خدمات نیز بررسی می‌شود؟
توسلی با اشاره به سیاست ارزی دولت گفت: گران‌سازی در حوزه ارز هم وجود دارد. دولت ارز را از بازار خریداری می‌کند و بانک مرکزی نیاز ارز را مردم و بازار جمع‌آوری می‌کند؛ سپس پس از مدتی، همان ارز را دوباره به بازار عرضه می‌کند. حتی تالاری با عنوان تالار دوم ایجاد کرده‌اند و ارز را در این تالار با اختلاف پنج تا ۱۰ هزار تومان پایین‌تر از قیمت بازار می‌فروشند. در ادامه، قیمت ارز مرتب افزایش پیدا می‌کند و دولت از این محل سود می‌برد، اما دوباره قیمت ارز در بازار بالا می‌رود و در نهایت فقط اختلاف اندکی میان نرخ تالار و بازار ایجاد می‌شود و این چرخه ادامه پیدا می‌کند. بنابراین، نخستین اقدامی که دولت باید انجام دهد، دست برداشتن از گران‌سازی رسمی و دولتی و دست‌کم کنترل قیمت خدمات و کالاهایی است که خودش عرضه می‌کند.

برنامه‌ای برای مهار تورم وجود ندارد!

توسلی در مورد این سوال که آیا برنامه‌ای در دولت و دستگاه‌های اقتصادی برای کنترل تورم و بهبود معیشت مردم وجود دارد، پاسخ داد: صادقانه بگویم، در جلسات متعددی که با وزیر اقتصاد برگزار کردیم، از مسئولان وزارت اقتصاد خواسته‌ام برنامه خود را به‌صورت روشن تشریح کنند و بگویند قرار است در یک بازه زمانی یک‌ماهه، چهارماهه یا یک‌ساله چه اقداماتی انجام دهند و هریک از این اقدامات در چه زمانی به نتیجه خواهد رسید. وی افزود: شخصاً هرزمان این موضوع را از مسئولان مربوطه سؤال کرده‌ام، برنامه مدونی از سوی آنها ندیده‌ام. آنچه تاکنون مشاهده کرده‌ایم، مجموعه‌ای از تصمیمات و دستورالعمل‌ها بوده است، اما برنامه‌ای فراتر از این دستورالعمل‌ها ارائه نشد. دستورالعمل، دستوری برای انجام اقدامی مشخص و معمولاً موقت است، اما برنامه ماهیتی بلندمدت دارد و باید ابعاد مختلف و پیامدهای تصمیمات در آن دیده شود. علاوه بر این، منابع مورد نیاز و مسائل مختلف مربوط به اجرای برنامه نیز باید مشخص باشند. متأسفانه چنین رویکردی را مشاهده نمی‌کنیم و واقعاً این وضعیت در حوزه مدیریت اقتصادی کشور نگران‌کننده است.

مجلس را کنار گذاشتند

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس با انتقاد از تعدد مراکز تصمیم‌گیری و کنار گذاشتن مجلس در حوزه اقتصاد اظهار کرد: اگر قرار است مجلس مرکز تصمیم‌گیری باشد، باید این موضوع در عمل نیز رعایت شود. در حالی که بسیاری از تصمیمات در جلسات سران قوا یا هیئت هفت‌نفره اتخاذ می‌شود و مجلس اساساً در جریان آنها قرار ندارد. تصمیمی در یک مجموعه اتخاذ و ابلاغ می‌شود و زمانی که آثار آن در جامعه نمایان می‌شود و اعتراض مردم به نمایندگان منتقل می‌شود، نمایندگان تازه متوجه تصمیم اتخاذشده در مجموعه سران قوا و هیئت هفت‌نفره می‌شوند.

تسهیلاتی که به تولید نرسید

توسلی در ادامه با تأکید بر حمایت از تولید اظهار کرد: بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی به‌طور کامل رها شده‌اند. مسئولان وزارت اقتصاد در جلسات مختلف گزارش‌هایی ارائه می‌دهند و می‌گویند که بررسی‌های لازم انجام شده و تسهیلاتی برای بنگاه‌هایی که در جنگ ۱۲ روزه یا جنگ ۴۰ روزه آسیب دیده‌اند، مصوب شده است. وقتی از آنها سؤال می‌کنیم چه میزان از این تسهیلات پرداخت شده است و از خود بنگاه‌های اقتصادی نیز درباره میزان تسهیلات دریافتی می‌پرسیم، مشخص می‌شود که بخش بسیار ناچیزی از تسهیلات پرداخت شده و باقی آن صرفاً در حد مصوبه باقی مانده است.
او تصریح کرد: ادامه این وضعیت بر اقتصاد کشور و صنعت تأثیر می‌گذارد. اگر از بنگاه‌های اقتصادی حمایت نشود، کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی ناچار می‌شوند میزان تولید خود را کاهش دهند و طبیعی است که این اتفاق تأثیر مستقیمی بر سفره مردم خواهد داشت.
سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس درباره اقدامات نظارتی و ورود تعزیرات برای مهار افزایش قیمت‌ها و نقش سیاست‌های ارزی دولت در گرانی‌های اخیر اظهار کرد: اقدامات نظارتی سازمان تعزیرات به‌تنهایی کافی نیست. سازمان تعزیرات با جریمه کردن واحدهای اقتصادی و برخورد‌های مشابه نمی‌تواند به مشکلات و وضعیت خود بنگاه‌های اقتصادی رسیدگی کند. این نماینده مجلس تاکید کرد: یک بنگاه اقتصادی مجموعه‌ای است که برای ادامه فعالیت با مشکلات متعددی مواجه است. این بنگاه با محدودیت یا قطع تأمین انرژی روبه‌روست؛ برای تأمین سرمایه در گردش به تسهیلات بانکی نیاز دارد، اما بانک‌ها تسهیلات لازم را در اختیارش قرار نمی‌دهند. از سوی دیگر، حقوق کارگران افزایش یافته و بنگاه باید این هزینه را پرداخت کند. در کنار این مسائل، بخش صادراتی فعالیت آن نیز با مشکلاتی مواجه شده است.
وی تأکید کرد: البته منظورم این نیست که با متخلفان برخورد نشود. افرادی که سوءاستفاده می‌کنند، به قانون عمل نمی‌کنند یا در حق مردم اجحاف می‌کنند، حتماً باید با برخورد قانونی مواجه شوند و براساس مقررات و قوانین مربوط به تعزیرات با آنها برخورد و بر عملکردشان نظارت شود. اما اصل مسئله موضوع دیگری است. هر بنگاه اقتصادی مجموعه‌ای از نیازها و مشکلات دارد که دولت باید به آنها توجه کند و برای رفع آنها اقدام کند. دولت باید مشکلات این بنگاه‌ها را در حوزه انرژی، تأمین مالی و سایر بخش‌ها برطرف کند تا آنها بتوانند مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز خود را با قیمت مناسب‌تری تهیه کنند و به تولید ادامه دهند.

برخی مسئولان اظهارنظر نکنند، بهتر است

توسلی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس، درباره تأثیر سخنان و تصمیمات برخی مسئولان، به‌ویژه رئیس جمهور و اعضای دولت، بر افزایش انتظارات تورمی و تشدید گرانی‌ها گفت: برخی از مسئولان ما اگر اظهارنظر نکنند، بسیار بهتر است. وقتی سیاست مشخصی برای کنترل اقتصاد، مهار تورم و مدیریت گرانی‌های بازار وجود ندارد، انتشار مجموعه‌ای از اطلاعات پراکنده، اتخاذ تصمیمات زودگذر و فاقد نگاه کارشناسی، نگرانی‌های مردم را تشدید می‌کند و موجب التهاب در بازار می‌شود. برخی مسئولان دست‌کم باید از اظهارنظرهای غیرضروری و اتخاذ تصمیمات خلق‌الساعه درباره مسائل مختلف خودداری کنند. همچنین باید مشخص باشد که مرکز تصمیم‌گیری در کشور کجاست.

یادداشت

سفره‌ای که حتی نانش هم گران تمام می‌شود

سمیه گلپور
فعال کارگری

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از همان روزهای آغازین امسال پس از جلسه شورای عالی کار، وعده داد که «شهریور دستمزد کارگران را بازنگری می‌کنیم». شهریور آمد و وعده مهر را دادند و امروز آبان از نیمه گذشته است؛ اما خزان معیشت کارگران به زمستان بدل شده و هنوز دولتمردان پشت تریبون‌ها ژست مدیریت بحران می‌گیرند! مدیریتی که تورم نقطه‌به‌نقطه را به مرز ۹۰ درصد و تورم ۱۱۳ درصدی خوراکی‌ها را رقم زده و هزینه سفره کارگران را در همین چند ماه گذشته چند برابر افزایش داده است. وقتی روغن خوراکی ۲۵۵ درصد، لبنیات ۱۵۴ درصد و حمل‌ونقل ۱۲۸ درصد گران شده، چگونه می‌شود در چشم کارگر زحمتکش نگاه کنند و دم از «تورم‌زا بودن افزایش دستمزد» بزنند. فرض محال کنید خانواده‌ای چهارنفره در طول یک ماه، فقط در ۳ وعده روزانه، هرنفر یک قرص نان سنگک خالی بخورند؛ بدون حتی یک دانه قند یا خرما، بدون یک استکان چای، ماست و... اگر میانگین نرخ دولتی و آزادپز سنگک را فقط ۳۹ هزار تومان در نظر بگیریم، این خانواده چهارنفره باید ماهیانه بیش از ۱۴ میلیون تومان فقط برای خرید نان سنگک خالی بپردازد که معادل بیش از ۸۵ درصد حداقل دستمزد یک کارگر است.
دستمزد یک کارگر متأهل با دو فرزند پس از کسر حق بیمه حدود ۲۴ میلیون تومان می‌شود و نهایت دریافتی او به ۳۰ میلیون تومان می‌رسد، در حالی که حداقل دستمزد ماهانه حدود ۱۷ میلیون تومان است. حالا فقط ۱۰ میلیون تومان ممکن است در ته جیب پدر خانواده باقی بماند. اینجاست که آقایان مسئول! و اقتصاددانان پشت میزنشین که سفره‌شان با دلار و سکه بالا و پایین نمی‌شود، باید پاسخ دهند با این ۱۰ میلیون تومانی که برای یک ماه زندگی باقی می‌ماند، باید کدام هزینه زندگی را تأمین کرد؟
امروز یک قوطی شیرخشک سهمیه‌ای نایاب است و در بازار آزاد قیمت آن سر به فلک کشیده؛ بسته‌های چندصد هزار تومانی پوشک بچه را که هر هفته باید خریداری شود، چگونه با این پول باید تهیه کرد؟ وای به روزی که فرزند کارگر در یک شب سرد پاییز تب کند؛ یک ویزیت ساده متخصص اطفال، یک شربت سرماخوردگی و تب‌بر و آموکسی‌سیلین، تمام این اقلام باقیمانده حقوق را می‌بلعد.
آیا خرید یک بسته صابون برای شستن دست‌های روغنی و خاکی کارگر زیاده‌خواهی است؟ پودر لباسشویی برای شستن روپوش کثیف کارگاه، مایع ظرف‌شویی، شامپوی معمولی، خمیردندان و مسواک و... برای افراد این خانواده، آیا اقلام اشرافی است که باید حذف شوند؟ آقای وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی! آقای معاون اول رئیس جمهور! آقای رئیس سازمان برنامه و بودجه! و... کارگر ایرانی صدقه نمی‌خواهد؛ با وعده افزایش کالابرگ او را معطل نکنید. ماده ۴۱ قانون کار، صریح و شفاف حکم می‌کند که دستمزد باید «هزینه‌های واقعی سبد معیشت یک خانوار» را تأمین کند. تعیین دستمزدی که حتی پول نان خالی یک خانواده را پوشش نمی‌دهد، توهین به کرامت انسانی و حذف طبقه کارگر است.
این در حالی است که قیمت شوینده‌ها برای دومین بار در سال جاری و در مهرماه ۳۰ درصد افزایش یافت. باز هم گران شدن شیر خام مطرح است. قیمت گوشت مرغ در همین یک هفته گذشته ۷۰ هزار تومان و نرخ ارز مرکز مبادله که برای واردات استفاده می‌شود نیز از ابتدای سال ۴۰ درصد گران شده است. در این شرایط، شورای عالی کار باید همین امروز تشکیل جلسه بدهد و بدون هیچ توجیهی، ترمیم اساسی و واقعی پایه مزد را در دستور کار قرار دهد و تصویب کند. گرانی‌هایی که هرروز به سفره کارگران افزوده می‌شود و معیشت او را تحت فشار می‌گذارد؛ سفره‌ای که حتی نان خالی‌اش هم هزینه میلیونی دارد؛ اینجاست که کارگر صبری برای گوش دادن به آمارهای انتزاعی و توجیهاتی که محلی از اعراب ندارد، ندارد!

یادداشت

فرصت طلایی ایران برای پایان دادن به تحریم یمن

محمد نوشاد
کارشناس بین الملل

با نزدیک شدن به موعد تمدید تحریم‌های شورای امنیت علیه یمن، موقعیت مناسبی برای دستگاه دیپلماسی کشور ایجاد کرده است تا مانع از ادامه این تحریم‌ها شود. ایران می‌تواند با رایزنی به‌موقع و هماهنگی با روسیه و چین، شرایط را به سمت پایان این روند تحریمی و کاهش فشارها بر مردم مظلوم یمن هدایت کند. جایگاه یمن در مجاورت تنگه باب‌المندب، دریای سرخ و خلیج عدن، اهمیت جغرافیایی ویژه‌ای به این کشور بخشیده است به‌طوری‌که حدود ۱۳ درصد از محموله‌های نفت خام، ۱۵ درصد از فرآورده‌های نفتی و سالانه نزدیک به ۱۷ درصد تجارت دریایی غلات و دانه‌های روغنی از این تنگه جابه‌جا می‌شود. این آمار نشان می‌دهد که مسئله یمن صرفاً در سطح یک مناقشه داخلی نیست، بلکه با امنیت و اقتصاد منطقه جهان ارتباط دارد.

این درحالی است که ریشه تحریم‌های فعلی به تحولات پس از بیداری اسلامی و کناره‌گیری علی عبدالله صالح نخست وزیر وقت یمن در سال ۲۰۱۴ برمی‌گردد. در آن مقطع، عربستان و امارات برای مهار شرایط جدید و افزایش فشار بر دولت مردمی یمن قطعنامه ۲۱۴۰ را در ۲۶ فوریه ۲۰۱۴ به تصویب رساندند. این قطعنامه با ایجاد سازوکار تحریم‌های هدفمند شامل اعمال ممنوعیت سفر و توقیف اموال افراد و نهادهای یمنی، پایه تحریم‌هایی شد که تا امروز هر سال به شکلی تکراری علیه مردم یمن تمدید شده است.

نکته مهم در این میان، مواضع روسیه و چین است. بررسی روند رأی‌گیری نشان می‌دهد حمایت این دو کشور از تمدید تحریم‌ها همواره یکسان و بدون ملاحظه نبوده است. چراکه در آخرین دور رأی‌گیری در ۱۴ نوامبر (۲۳ آبان) ۲۰۲۵، قطعنامه ۲۸۰۱ با وجود اینکه تصویب شد، با رأی ممتنع روسیه و چین همراه شد و تمدید فعلی تا ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶ اعتبار دارد. پیش از این نیز در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۵ هر دو کشور و در سال ۲۰۲۱ روسیه از دادن رأی مثبت خودداری کرده و رأی ممتنع داده بودند.

اظهارات رسمی دیپلمات‌های روس نشان‌دهنده تغییر نگاه جدی به این پرونده است. نماینده روسیه در سال ۲۰۲۵ قطعنامه تمدید را متنی یک‌طرفه و نامتعادل دانست و تأکید کرد که «تحریم نباید ابزاری برای فشار سیاسی باشد، بلکه راه‌حل نهایی در گفت‌وگوی فراگیر با حضور انصارالله است.» در اوت ۲۰۲۶ نیز دینا گیل موتدینوا، نماینده دیگر روسیه در نشست شورای امنیت، به‌صراحت اعلام کرد «سیاست فشار حداکثری علیه طرف‌های یمنی به بن‌بست رسیده است» و خواستار رفع محاصره دریایی، زمینی و هوایی و باز شدن مسیر ورود غذا و دارو شد.

این شرایط نشان می‌دهد که تا پیش از ۲۳ آبان ۱۴۰۵ زمینه برای یک اقدام دیپلماتیک فعال کاملاً فراهم است. روسیه و چین حق وتو دارند و مواضع آن‌ها نشان داده است که تمدید خودکار تحریم‌ها را منطقی نمی‌دانند. لذا ضروری است دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران رایزنی‌های جدی خود را با چین و روسیه آغاز کند تا با ایجاد یک موضع مشترک، مانع طرح مجدد قطعنامه در شورای امنیت شود و همچنین در صورت ارائه آن در شورای امنیت، چین و روسیه به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت با رأی منفی خود به این روند تحریمی پایان دهند.

بین الملل

هشدار مهم یمن: شهرک‌های سعودی به آتش کشیده می‌شوند



روزنامه الاخبار در گزارشی با تیتر هدف قرار گرفتن بورس ریاض تاکید کرد، دامنه اهداف نیروهای مسلح یمن در پی افزایش مطالبات مردمی برای انجام حملات شدیدتر به عمق خاک عربستان گسترش پیدا کرده است و این بار مرکز مالی ملک عبدالله در قلب ریاض را هدف قرار داده اند. این عملیات در واکنش به تجاوزات هوایی ریاض علیه یمن و شهادت تعداد زیادی از غیرنظامیان صورت گرفت.

بر اساس این گزارش، نیروهای مسلح یمن همچنین با تهدید به هدف قرار دادن زیر ساخت های اقتصادی و گردشگری دیگر از جمله منطقه تفریحی بولیوار بر ادامه حملات تلافی جویانه تاکید دارند. در این منطقه جشن های موسوم به موسم ریاض برگزار می شود.

یک منبع نظامی یمنی اعلام کرد که روند افزایش سطح تنش در برابر عربستان در واکنش به شهادت ده ها شهروند یمنی در منطقه بنی حشیش، بازار الحضاره، صعده و ساحل غربی آغاز شده است.

وی گفت که رویارویی با عربستان وارد مرحله ای شده که دیگر هیچ خط قرمزی در آن وجود ندارد و سطح تنش در عمق خاک این کشور طی روزهای آینده افزایش خواهد یافت. اهداف جدید می تواند تاسیسات نفتی، فرودگاه ها و مراکز حساس نظامی، مالی و گردشگری را شامل شود و احتمال دارد منطقه گردشگری بولیوار با تمام امکانات و تاسیساتش به یکی از اهداف نیروهای مسلح یمن تبدیل شود.

محاکمه ۶۰ روحانی شیعه در بحرین تناقض آشکار مدعیان حقوق بشر را نشان داد

تاج‌وتخت آل خلیفه زیر سایه خشم شیعیان بحرین

رژیم آل‌خلیفه در بحرین، درحالی ده‌ها عالم دینی و روحانی شیعه را به زندان انداخته و با اتهامات سنگین امنیتی محاکمه می‌کند که گزارش‌های متعدد از شکنجه، تهدید و اعتراف‌گیری اجباری آنان حکایت دارد. حکومتی که بقای سیاسی خود را مدیون حمایت‌های آمریکا و عربستان سعودی است، اکنون فعالیت‌های مذهبی شهروندان را به پرونده‌های امنیتی تبدیل کرده است. اگر رژیم بحرین همچنان بر قواعد آمریکایی و یکطرفه خود پافشاری کند، بد نیست در این هرج و مرج بین المللی، حق ایران به خاکش بازگردانده شود.



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

تازه‌ترین اقدامات حکومت آل خلیفه علیه علمای شیعه بحرین، بار دیگر وضعیت حقوق بشر و آزادی‌های مذهبی در این کشور را به کانون توجه رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل کرده است. براساس گزارش نهادهای حقوق بشری، پرونده اخیر دستگاه قضایی بحرین شامل ۶۹ متهم است که ۶۰ نفر از آنان روحانی شیعه هستند. از مجموع متهمان، ۵۶ نفر در بازداشت به سر می‌برند که ۴۷ نفر آنان روحانی هستند.

مقام‌های بحرینی مدعی‌اند این افراد در تشکیل یک گروه غیرقانونی و ارتباط با ایران نقش داشته‌اند. ادعاهایی که وکلای متهمان و خانواده‌های آنان رد کرده‌اند. نکته قابل توجه آن است که براساس گزارش سازمان‌های حقوق بشری، برخی فعالیت‌های مذهبی، از جمله آموزش‌های دینی، ارتباط با مراکز مذهبی و حتی مسائل مرتبط با وجوهات شرعی، در پرونده‌های امنیتی مورد استناد قرار گرفته‌اند.

روز یکشنبه ۸ نوامبر، دادگاه بحرین که قرار بود حکم متهمان را اعلام کند، بدون صدور رأی به کار خود پایان داد و اعلام حکم به ۲۲ نوامبر موکول شد. این تعویق هم‌زمان با گسترش اعتراضات مردمی در مناطق شیعه‌نشین بحرین رخ داد. اعتراضاتی که در الدراز، ستره، المالکیه والسنابس و دیگر مناطق ادامه یافت. رسانه‌های مخالف حکومت، تعویق صدور حکم را نشانه نگرانی آل خلیفه از گسترش اعتراضات ارزیابی کرده‌اند.

ابعاد این پرونده تنها به بازداشت و محاکمه روحانیون محدود نمی‌شود. بیست سازمان حقوق بشری، از جمله عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و سازمان جهانی مبارزه با شکنجه، در بیانیه مشترک ششم نوامبر نسبت به شکنجه، بدرفتاری، اعتراف‌گیری اجباری و نقض گسترده اصول دادرسی عادلانه هشدار داده‌اند.

براساس شهادت‌هایی که مؤسسه حقوق و دموکراسی بحرین گردآوری کرده، شماری از بازداشت‌شدگان از محرومیت از خواب، چشم‌بندهای طولانی مدت، تهدید به خشونت جسمی و جنسی، فشار روانی و تهدید خانواده‌های خود خبر داده‌اند. همچنین گزارش‌هایی درباره محدودیت دسترسی وکلا به مدارک پرونده و فشار بر متهمان برای امضای اعترافات منتشر شده است.

ماجرای بحرین را نمی‌توان بدون توجه به مناسبات امنیتی منامه و واشنگتن بررسی کرد. بحرین میزبان ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکاست و روابط نظامی و امنیتی گسترده‌ای با ایالات متحده دارد. ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت آل خلیفه علیه علمای شیعه و شهروندان بحرینی، آن هم در سایه روابط نزدیک امنیتی منامه با واشنگتن و تل‌آویو، می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای این کشور به همراه داشته باشد. حکومتی که به‌جای پاسخگویی به مطالبات مردم، به بازداشت روحانیون، محدودسازی آزادی‌های مذهبی و محاکمات جنجالی متوسل می‌شود، باید بداند که برخورداری از حمایت قدرت‌های خارجی، مصونیتی دائمی در برابر مسئولیت‌های سیاسی و حقوقی ایجاد نخواهد کرد.

ادامه سرکوب در بحرین می‌تواند بار دیگر تاریخ مناسبات این سرزمین با ایران و مسئولیت تهران در دفاع از حقوق مردم بحرین را به موضوع اصلی ایران تبدیل کند. حکومت آل خلیفه نباید تصور کند که می‌تواند زیر چتر حمایت آمریکا و اسرائیل، حقوق مذهبی و سیاسی شهروندان خود را نادیده بگیرد و انتظار داشته باشد هیچ فشار سیاسی و بین‌المللی متوجه آن نشود. بد نیست که در صورت ادامه این مسیر آمریکایی صهیونیستی توسط رژیم بحرین، آن هم در شرایطی که حقوق بین الملل و سازمان‌های جهانی چشمان خود را بر روی جنایات آمریکا همچون به شهادت رساندن ۱۶۸ دانش آموز بسته است، این حق ایران را که سال‌هاست جدا افتاده است و مردمش زیر ستم این رژیم هستند را مجدد به خاک خود بازگرداند.

در همین زمینه، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، برخوردهای فرقه‌گرایانه در بحرین و نقض حقوق بنیادین شهروندان را محکوم کرده و بازداشت، صدور احکام سنگین و سلب تابعیت افراد به اتهام همدلی با ایران یا ابراز عقاید مذهبی را مغایر موازین حقوق بشری دانسته است.

اکنون مسئولیت حکومت بحرین روشن است که باید به برخوردهای فرقه‌ای و شکنجه پایان دهد و آزادی کسانی که صرفاً به دلیل فعالیت مذهبی زندانی شده‌اند را تضمین کند.

آل خلیفه باید بداند که ادامه سرکوب علما، نه اعتراضات را خاموش خواهد کرد و نه بحران مشروعیت و شکاف مذهبی در این کشور را از میان خواهد برد. حمایت واشنگتن نیز نمی‌تواند برای همیشه جایگزین رضایت مردم بحرین شود.

پرونده بحرین روی میز ایران

ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت آل‌خلیفه علیه علمای شیعه و شهروندان بحرینی، آن هم در سایه روابط نزدیک امنیتی منامه با واشنگتن و تل‌آویو، می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای این کشور به همراه داشته باشد. بد نیست که در صورت ادامه این مسیر آمریکایی صهیونیستی توسط رژیم بحرین، آن هم در شرایطی که حقوق بین الملل و سازمان‌های جهانی چشمان خود را بر روی جنایات آمریکا همچون به شهادت رساندن ۱۶۸ دانش آموز بسته است، این حق ایران را که سال‌هاست جدا افتاده است و مردمش زیر ستم این رژیم هستند را مجدد به خاک خود بازگرداند.

شواهد نشان می‌دهد دولت با طرح دو روزه عراقچی بار دیگر بر مسیر شکست خورده اعتماد به دشمن اصرار دارد

فرش قرمز برای جنگ جدید

در هفته‌های اخیر، سخنان مقامات دستگاه دیپلماسی درباره‌ی آمادگی ایران برای اجرای کوتاه‌مدت یک توافق به منظور بازگشایی تنگه هرمز، حواشی متعددی داشته است. از جمله، متنی که دکتر سیدعباس عراقچی در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد و با ادبیاتی جنجالی، نوشت: «پیشنهاد دو روزه‌ی ما روی میز است؛ مطالبات آن، از جمله پایان جنگ در همه جبهه‌ها، را بپذیرید و نتایج آن را ببینید.» اما این طرح دو روزه چیست و اساسا از کجا آغاز شده است؟



دکتر مهدی خانعلی‌زاده
استاد روابط بین‌الملل

بعد از سفر پرحاشیه و پرانتقاد رئیس جمهور و وزیر امور خارجه به نیویورک و عدم پذیرش طرف آمریکایی برای پیشبرد یک فرآیند مذاکراتی - که به دلیل امید بستن به طرح وزیر خزانه‌داری این کشور مبنی بر فروپاشی اقتصادی ایران در دو هفته بود - که نهایتا با اخراج عراقچی از آمریکا منجر شد، یک طرح با عنوان «بازگشایی هفت روزه‌ی تنگه هرمز» از سوی دستگاه دیپلماسی کشورمان مطرح شد. این طرح در واقع واکنشی به تاکید رهبر انقلاب بر تحقق هفت شرط اصلی برای اتمام جنگ بود؛ شروطی مانند خروج قطعی نیروهای نظامی آمریکا از منطقه، پرداخت نقدی اموال بلوکه شده ایران، اتمام قطعی جنگ در تمام جبهه‌های مقاومت، رفع کامل محاصره دریایی، رفع کامل تحریم نفتی و پذیرش اعمال مدیریت ایران برتنگه هرمز. همانطور که در جریان تفاهم‌نامه‌ی اسلام‌آباد، فرآیندها از سوی وزارت امور خارجه به نحوی تنظیم شد که دستور اکید رهبر انقلاب مبنی بر عدم انجام مذاکرات هسته‌ای قبل از پایان جنگ، دور زده شد، در طرح هفت روزه‌ی بازگشایی تنگه هرمز نیز تلاش شد تا از بازگشت اسمی آمریکا به تعهدات پیشین خود به عنوان مجوزی برای پیشبرد مذاکرات هسته‌ای استفاده شود.

با مخالفت طرف آمریکایی با این طرح، «دیپلماسی التماس» در دستورکار دستگاه دیپلماسی قرار گرفت و این طرح هفت روزه، از سوی دکتر عراقچی به طرح‌های پنج و دو روزه تقلیل پیدا کرد و حالا نهایتا به یک طرح بازگشایی یک روزه‌ی تنگه هرمز رسیده است؛ یعنی اگر طرف آمریکایی همین امروز اعلام کند که تعهداتش را در قبال ایران و برای پایان جنگ انجام خواهد داد، طرف ایرانی همین فردا و بدون امکان راستی‌آزمایی اقدامات واشنگتن، تنگه‌ی هرمز را باز خواهد کرد.

اما چرا این راهبرد نهایتا همانند دو فرآیند مذاکراتی پیشین، نتیجه‌ای به جز افزایش احتمال شکل‌گیری یک جنگ جدید علیه کشورمان نخواهد داشت؟

تجربه‌ی تاریخی در حوزه نظام بین‌الملل و همچنین وضعیتی که در شکست سنگین حزب جمهوری‌خواه در انتخابات کنگره ایالات متحده شکل گرفت، بار دیگر اثبات کرد که تنها مسیر برای ایجاد فرآیند پایان جنگ، وارد کردن فشار به طرف مقابل - و نه امتیاز دادن - است؛ یعنی آن چیزی که تاکنون باعث شده تا کاخ سفید دست به اقدام نظامی جدید علیه کشورمان نزند، ترس از هزینه‌ها و آسیب‌هایی است که تاکنون دریافت کرده و ممکن است در جنگ احتمالی بعدی دریافت کند. منطقِ «هزینه - فایده» که اندیشمندان روابط بین‌الملل آن را یک اصل بدیهی در رفتار بازیگران جهانی می‌دانند، تایید و تاکید می‌کند که افزایش قیمت نفت و همچنین احتمال آسیب به زیرساخت‌های تولید انرژی در کشورهای حاشیه خلیج فارس، عامل اصلی در ایجاد بازدارندگی برای کشورمان بوده است. به عنوان مثال، علت اصلی عدم پیگیری برنامه‌ی آسیب به زیرساخت‌های برق و گاز ایران در میانه‌ی جنگ ۳۹ روزه از سوی آمریکا و اسرائیل، پاسخ سریع و محکم ایران در هدف قراردادن تاسیسات گازی قطر در منطقه‌ی راس‌الفان بود. در چنین شرایطی، اظهارات التماس‌گونه مقامات دستگاه دیپلماسی و تصویرسازی از یک احساس نیاز فوری ایران به هرگونه توافق با طرف آمریکایی حتی ظرف یک روز و دو روز، مدلی از بازنمایی ضعف برای کشورمان به همراه دارد که می‌تواند منجر به جسارت مجدد طرف مقابل شود. در سیاست بین‌الملل، بازنمایی ضعف می‌تواند محاسبات طرف مقابل را تغییر دهد. وقتی دشمن احساس کند فشار نظامی نتیجه می‌دهد، احتمال اینکه دوباره به ابزار نظامی فکر کند، افزایش پیدا می‌کند. جنگ تحمیلی تصمیم طرف مقابل است؛ اما ما باید ببینیم آیا رفتار خودمان هزینه تصمیم دشمن را بالا می‌برد یا پایین می‌آورد. اگر طرف مقابل به این نتیجه برسد که ایران تحت فشار حاضر است امتیاز بدهد، طبیعی است که در محاسبات خود فشار را افزایش دهد. این فشار الزاماً فقط اقتصادی و دیپلماتیک هم نیست و می‌تواند در نهایت به گزینه نظامی برسد.

در همین راستا به نظر می‌رسد که دولت و دستگاه دیپلماسی در حال تکرار سه‌باره تمام اشتباهاتی است که در دو سال اخیر انجام داد و زمینه را برای شکل‌گیری اراده جنگ در دشمن فراهم کرد.

بازنمایی ضعف، زمینه‌ساز تهاجم

اظهارات التماس‌گونه‌ی مقامات دستگاه دیپلماسی و تصویرسازی از یک احساس نیاز فوری ایران به هرگونه توافق با طرف آمریکایی حتی ظرف یک روز و دو روز، مدلی از بازنمایی ضعف برای کشورمان به همراه دارد که می‌تواند منجر به جسارت مجدد طرف مقابل شود. در سیاست بین‌الملل، بازنمایی ضعف می‌تواند محاسبات طرف مقابل را تغییر دهد.

یادداشت

هشیاری چینی‌ها نسبت به تغییر آرایش مذاکراتی در ایران

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

تحولات دیپلماتیک اخیر، از نامه‌نگاری جی دی ونس با محسن رضایی تا رفت‌وآمدهای معنادار میان تهران، پکن و مسکو، از یک تغییر مهم در آرایش مذاکراتی جمهوری اسلامی حکایت دارد؛ تغییری که ظاهراً طرف‌های خارجی نیز آن را به‌خوبی درک کرده‌اند. در تازه‌ترین این نشانه‌ها، مقصد اول فرستاده ویژه چین در امور خاورمیانه در تهران، ساختمان شورای عالی امنیت ملی و دیدار با معاون این شورا علی باقری کنی بود؛ اتفاقی که در کنار سایر تحولات، معنایی فراتر از یک ملاقات معمول دیپلماتیک دارد.

نخست باید به یک جابه‌جایی معنادار در سطح استقبال‌های دیپلماتیک توجه کرد. پیش‌تر، هنگامی که علی باقری، معاون بین‌الملل دبیر شورای عالی امنیت ملی، برای رایزنی درباره تحولات جنگ و ابتکارهای دیپلماتیک تهران به پکن سفر کرد، مورد استقبال وزیر امور خارجه چین قرار گرفت؛ مقامی که از نظر جایگاه رسمی در سطحی بالاتر از معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی قرار دارد. اکنون نیز فرستاده ویژه شی جین‌پینگ در امور خاورمیانه در تهران با معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار می‌کند. این سطح از تعاملات، در کنار نامه‌نگاری ونس با محسن رضایی، نشان می‌دهد تغییر در کارگزاری و ارشدیت مذاکرات ایران از سوی بازیگران خارجی نیز فهم شده است.

سفر علی باقری به پکن را نیز باید در همین چارچوب تحلیل کرد. او برای گفت‌وگو با وزیر خارجه چین درباره تحولات جنگ و ابتکارهای دیپلماتیک تهران برای پایان دادن به آن راهی این کشور شد. پیش‌تر نیز گزارش‌هایی درباره بازگشت پرونده سیاست خارجی جنگ به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی منتشر شده بود. بنابراین، این سفر را نمی‌توان صرفاً یک مأموریت دوجانبه و تشریفاتی تلقی کرد؛ بلکه دومین نشانه مهم پس از نامه ونس به رضایی از تغییرسازوکار دیپلماتیک جمهوری اسلامی در پرونده جنگ است.

محسن رضایی نیز پیش‌تر در گفت‌وگوی ویژه خبری از رفع ایرادات تفاهم اسلام‌آباد و طراحی هفت شرط ایران برای مسیر جدید گفت‌وگوها خبر داده بود. این موضع در کنار مکاتبه ونس، نشان می‌دهد طرف آمریکایی نیز برای عبور از بن‌بست موجود، ناگزیر شده است واقعیت جدید در ساختار تصمیم‌گیری و مذاکراتی ایران را لحاظ کند. در این میان، یک پرسش جدی درباره عملکرد محمدباقر قالیباف مطرح است. با وجود تأکیدات مکرر رهبر انقلاب بر اهمیت راهبردی روابط با چین و ضرورت پیگیری این مناسبات، قالیباف در ماه‌های سپری‌شده از سال ۱۴۰۵ هیچ سفری به پکن نداشته است؛ آن هم در شرایطی که ایران با بزرگ‌ترین کمپین محاصره دریایی، هوایی و زمینی مواجه است و اهمیت ارتباط راهبردی با چین برای مقابله با این فشارها دوچندان شده است.

از سوی دیگر، سفر رضایی به روسیه و تماس ولادیمیر پوتین با او، حلقه دیگری از این زنجیره معنادار است. وقتی هم‌زمان واشنگتن، پکن و مسکو ارتباطات خود را با مسئول ارشد شورای عالی امنیت ملی ایران تنظیم می‌کنند، نمی‌توان این تحولات را اتفاقاتی پراکنده دانست. مجموع این نشانه‌ها از انتقال مرکز ثقل مذاکرات از آرایش پیشین متکی بر پزشکیان و قالیباف به محوریت محسن رضایی حکایت دارد.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

■ سه شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۸۲

یادداشت

مردی که صحنه را به سنگر تبدیل کرد

علی نقدی
روزنامه‌نگار

درگذشت کوروش زارعی در ۱۷ آبان ۱۴۰۵، پس از دوره‌ای بیماری، جبهه هنری انقلاب اسلامی و مردم را در سوگ نشاند.

کوروش زارعی اول مهر ۱۳۵۱ در میناب هرمزگان متولد شد. علاقه به تئاتر از نوجوانی در وجودش ریشه دواند و در ۱۳ سالگی نخستین تجربه‌های جدی خود را روی صحنه آغاز کرد. او در دوران دبیرستان نمایش «گل و جهله» را کارگردانی کرد و برای این اثر مقام دوم جایزه کانون ملی منتقدان ایران را به دست آورد. مسیری که از یک تجربه نوجوانانه آغاز شده بود، نزدیک به چهار دهه ادامه یافت و زارعی را به یکی از چهره‌های شناخته‌شده تئاتر ایران تبدیل کرد.

برای بخش بزرگی از مخاطبان تلویزیون، نام کوروش زارعی با شخصیت لاوی در مجموعه «یوسف پیامبر(ع)» به یاد آورده می‌شود. ایفای نقش برادر بزرگ حضرت یوسف، فرصتی برای نمایش توانایی‌های بازیگری او در یک اثر تاریخی و دینی بود. با این حال، شناخت زارعی از دریچه تلویزیون، تصویر کاملی از کارنامه او به دست نمی‌دهد. او پیش از هر چیز مرد صحنه بود. حضور در نمایش‌هایی همچون «خورشید کاروان»، «غمنامه فرات»، «خاک سبز»، «مسافران مرو» و «بردار شدن حسین بن منصور حلاج» بخشی از تجربه طولانی او در تئاتر را تشکیل می‌دهد. در مقام کارگردان نیز آثاری چون «کانال کمیل»، «بانوی بی‌نشان»، «غریبه شام»، «ماه معصوم» و «راکب» را به صحنه برد.

یکی از مهم‌ترین فصل‌های زندگی حرفه‌ای زارعی، مدیریت مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری از سال ۱۳۹۵ بود. او در این جایگاه کوشید تئاتر را از محدوده سالن‌های حرفه‌ای خارج کند و به ظرفیت‌های مردمی و استانی آن توجه نشان دهد. توسعه جریان تئاتر بچه‌های مسجد، برگزاری همایش تئاتر پیاده‌روی اربعین، جشنواره نقالان علوی، جشنواره نمایشنامه‌نویسی گلدسته‌ها و چهارراه تئاتر ایران از جمله فعالیت‌هایی بود که در دوره مدیریت او دنبال شد. حمایت از گروه‌های جوان و شهرستانی و تقویت نمایش‌های دینی و آیینی نیز در شمار اولویت‌های این دوره قرار داشت.

زارعی در سال ۱۴۰۱ دبیری چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را بر عهده گرفت. تجربه بین‌المللی او در اجرای نمایش «آینه» در جشنواره جاده ابریشم آلمان نیز از ابعاد کمتر دیده‌شده کارنامه‌اش بود.

اهمیت میراث او را باید در تلاشی جست‌وجو کرد که برای پیوند دادن صحنه نمایش با زندگی مردم و باورهای جامعه صورت گرفت. تئاتر بچه‌های مسجد، نمایش‌های آیینی و تربیت نیروهای جوان، بخش‌هایی از این میراث هستند که اکنون مسئولیت ادامه دادن آن بر دوش نسل تازه هنرمندان و مدیران فرهنگی قرار دارد. نام کوروش زارعی با این تلاش‌ها و با خاطره نقش‌آفرینی‌هایش در ذهن مخاطبان باقی خواهد ماند.

نمادهای فرهنگی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و آل سعود پشت سرهم فرو می‌ریزند

شکست پروژه فرهنگی سعودی و شیخ‌نشین‌ها

جشنواره دریای سرخ لغو شد و جام ملت‌های آسیا هم به دلیل مشت محکم مجاهدان انصارالله بر دهان آل سعود یک سال به تعویق افتاد. این در حالی است که ما در ایران یک جشنواره اسکار کوالیفای به نام جشنواره فیلم کوتاه تهران برگزار کردیم و فجر و حقیقت را هم در پیش داریم. این رویه همیشه و به طور پیوسته ادامه‌دار بوده و هیچ‌وقت متوقف نشده است. درواقع تصویری از دو مدل حکمرانی این وسط بازنمایی می‌شود که یکی شکست‌خورده کامل است و دیگری حتی با وجود حمله دو کشور اتمی و تا بن‌دندان مسلح کارش را با تمام ضعف‌ها و انتقادات جلو می‌برد. از زاویه همین تفاوت می‌توان به شکست پروژه توسعه سعودی و استمرار ساخت نهادی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. در طرف دیگر، چندین جشنواره سینمایی در منطقه بودند که در این سال‌ها بدون هیچ تهدیدی و صرفاً بنا به دلایلی که می‌شد جلوی آن‌ها را گرفت تعطیل شدند.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

تحلیل دقیق‌تر این پدیده نیازمند نگاهی به بازه زمانی بیست و دو سال اخیر است. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ میلادی، چندین جشنواره سینمایی شاخص در کشورهای عربی غرب آسیا یا لغو شدند یا به حالت تعلیق درآمدند. برای نمونه جشنواره بین‌المللی فیلم دبی پس از چهارده سال برگزاری در سال ۲۰۱۷ کاملاً متوقف شد. جشنواره فیلم ابوظبی نیز بعد از سال ۲۰۱۲ دیگر برگزار نشد و جشنواره فیلم دوحه ترایبکا در قطر نیز سرنوشتی مشابه پیدا کرد و به دلیل عدم استقبال و نبود زیرساخت فرهنگی پایدار از رده خارج شد. در بخش مشرق نیز جشنواره بین‌المللی فیلم دمشق و جشنواره فیلم بغداد به دلیل شرایط جنگی و امنیتی بارها تعلیق شدند. همچنین جشنواره فیلم اسکندریه در مصر نیز دوره‌هایی از رکود شدید را تجربه کرد.

در مقابل این حجم از انفعال و توقف، جشنواره فیلم فجر با وجود فشارهای سنگین داخلی و خارجی، تحریم‌های فلج‌کننده و تغییرات مکرر مدیریتی، همچنان زنده مانده است. این بقا تصادفی نیست و نتیجه هویت مستقل و ریشه‌دار آن در بدنه جامعه هنری ایران است. از سوی دیگر البته این مسئله را هم باید مدنظر قرار داد که دولت‌های هم‌سو با غرب در دوره‌های مختلف تلاش کردند این نهاد را تضعیف یا حذف کنند اما موفق نشدند زیرا فجر فراتر از یک رویداد صرفاً دولتی عمل کرده و ریشه در تاریخ سینمای پس از انقلاب ایران دارد.

این جشنواره توانسته است با وجود تمام محدودیت‌ها، به عنوان یک پل ارتباطی میان نسل‌های مختلف سینماگران باقی مانده، فضای گفت‌وگو و تعامل را حفظ و درنهایت رویش‌های بزرگ و مهمی نظیر ابراهیم حاتمی‌کیا، مجید مجیدی، رضا میرکریمی و... را پدید بیاورد. مدل حکمرانی در ایران بر پایه نهادسازی تدریجی شکل گرفته است. در حالی که پروژه توسعه سعودی سعی دارد با تزریق پول سریع و خرید امتیازات بین‌المللی، چهره‌ای مدرن از خود ارائه دهد، این اقدامات فاقد زیرساخت اجتماعی لازم است. لغو ناگهانی رویدادهای سینمایی در حاشیه خلیج فارس نمونه بارز این شکنندگی است. چنین برنامه‌هایی مانند بادکنک‌هایی هستند که با دمیدن سریع پر می‌شوند اما با کوچک‌ترین فشار منفجر می‌گردند.

فقدان مخاطب واقعی و وابستگی شدید به بودجه‌های دولتی باعث شده است این جشنواره‌ها نتوانند در برابر تغییرات سیاسی یا اقتصادی مقاومت کنند. در مقابل جشنواره فیلم کوتاه تهران که مجوز رسمی آکادمی اسکار را دارد، حاصل سال‌ها تلاش مستمر و اصلاحات ساختاری و فنی است. این دستاوردها با دستور یک شبه به دست نیامده‌اند و محصول تعامل پیچیده میان هنرمندان و نهادهای فرهنگی است.

انتقاد از ضعف‌های موجود در مدیریت فرهنگی ایران انکارناپذیر است اما نباید باعث نادیده گرفتن موفقیت در حفظ حیات فرهنگی شود، زیرا، حقیقت این است که در شرایط جنگ اقتصادی و فشارهای ژئوپلیتیک، برگزاری منظم رویدادهای تخصصی مانند جشنواره حقیقت یا فجر، نوعی مقاومت فرهنگی محسوب می‌گردد.

این مقاومت نشان می‌دهد سیستم اداری توانسته مکانیزم‌های دفاعی خود را فعال نگه دارد، در حالی که همسایگان ثروتمندتر، حتی بدون تهدید نظامی مستقیم، قادر به حفظ جذابیت رویدادهای عاریه‌ای خود نبوده‌اند. این تضاد آشکار، اعتبار ادعاهای توسعه یافتگی سریع را زیر سوال می‌برد و نشان می‌دهد که فرهنگ واقعی نیازمند زمان، اعتماد عمومی و استقلال نسبی نسبت به سیاست‌های روزمره است.

یادداشت

هالیوود از کلاهبرداری هم پول به جیب زد!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

مستند «می‌توانی همه چیز را ببینی» درباره الیزابت هولمز، زن میلیاردر آمریکایی که به جرم کلاهبرداری محکوم شد، با فروش ۸۰ میلیون دلاری در آمریکای شمالی به یکی از پرفروش‌ترین مستندهای تاریخ سینمای آمریکا تبدیل شده است. اتفاقی موجب می‌شود درباره ذائقه فرهنگی و سازوکار عجیب صنعت سرگرمی در غرب تأمل کرد. زنی که با ادعاهای دروغین درباره فناوری آزمایش خون، سرمایه‌گذاران را فریب داد و به ۱۱ سال و سه ماه زندان محکوم شد، حالا به سوژه‌ای پول‌ساز برای همان صنعتی تبدیل شده که مدعی ترویج آگاهی و حقیقت است!

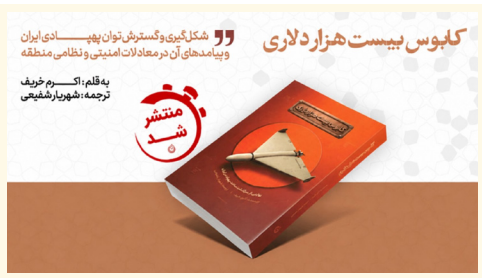
ماجرا از این هم عجیب‌تر است. هولمز زمانی به عنوان جوان‌ترین زن میلیاردر خودساخته آمریکا معرفی شد. شرکتی به نام ترانوس تأسیس کرد و مدعی شد با چند قطره خون می‌تواند انقلابی در آزمایش‌های پزشکی ایجاد کند. رسانه‌های آمریکایی برایش هورا کشیدند، فوربز او را در فهرست ثروتمندان قرار داد و محافل اقتصادی از او یک نابغه فناوری ساختند. اما پشت این نمایش پرزرق‌وبرق، واقعیتی کاملاً متفاوت پنهان بود؛ فناوری‌ای که ادعا می‌شد آینده پزشکی را متحول می‌کند، آن‌طور که تبلیغ شده بود کار نمی‌کرد و سرانجام کلاهبرداری هولمز افشا شد.

حالا همان داستان سقوط، به کالایی سینمایی تبدیل شده است. نکته قابل تأمل اینجاست که مستند با بودجه فقط ۷ میلیون دلار ساخته شده و تاکنون ۸۰ میلیون دلار فروش داشته است. یعنی حتی رسوایی و فریبکاری هم در هالیوود می‌تواند به یک تجارت پرسود تبدیل شود. کافی است یک چهره جنجالی، سقوطی پرسروصدا و داستانی عجیب در اختیار داشته باشید تا ماشین عظیم سرگرمی، از رسوایی شما محصولی تماشایی بسازد.

حالا پرسش اینجاست که چرا نظام رسانه‌ای و اقتصادی آمریکا ابتدا چنین افرادی را به قهرمانان موفقیت تبدیل می‌کند و بعد از سقوطشان، از همان رسوایی‌ها پول درمی‌آورد؟ رسانه‌هایی که دیروز از هولمز یک اسطوره ساختند، امروز سقوط او را به سرگرمی میلیون‌ها نفر تبدیل کرده‌اند.

این ماجرا فقط داستان یک کلاهبردار نیست؛ داستان فرهنگی است که در آن شهرت، ثروت و نمایش موفقیت، گاهی بسیار جلوتر از حقیقت حرکت می‌کنند. در چنین بازاری حتی رسوایی هم شکست نیست؛ کافی است بتوانید از آن یک فیلم پرفروش بسازید!

«کابوس بیست هزار دلاری»؛ روایت چهار دهه تلاش ایران برای ساخت پهپاد



همزمان با هفته هوافضا، کتاب «کابوس بیست هزار دلاری» نوشته اکرم خریف، روزنامه‌نگار و تحلیلگر حوزه دفاعی، با ترجمه شهریار شفیعی و توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شد.

این کتاب روایتی از چهار دهه شکل‌گیری و توسعه صنعت پهپادی ایران است؛ مسیری که از نخستین تجربه‌های ساخت پهپاد در دهه ۱۳۶۰ و دوران جنگ تحمیلی آغاز شد و به حضور مؤثر پهپادهای ایرانی در معادلات نظامی سال‌های اخیر رسید.

نویسنده با بررسی تأثیر جنگ، تحریم‌های غرب و محدودیت دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، توضیح می‌دهد چگونه نیازهای دفاعی کشور به شکل‌گیری توانمندی‌های بومی در این حوزه منجر شد. کتاب علاوه بر جنبه‌های فنی و نظامی، به افراد و مجموعه‌های مؤثر در این مسیر و روایت‌های کمترشناخته‌شده از شکل‌گیری این صنعت نیز می‌پردازد.

بخش مهمی از اثر به پهپاد شاهد ۱۳۶ و نقش آن در تحولات نظامی معاصر، همچنین عملیات وعده صادق و حمله مستقیم ایران به رژیم صهیونیستی اختصاص دارد.

«کابوس بیست هزار دلاری» در ۱۸۹ صفحه، با شمارگان هزار نسخه و قیمت ۴۵۰ هزار تومان روانه بازار نشر شده است.